

یادداشت روز

در حاشیه لغو کنسرت گروه «سپهر» در رودسر

از موسیقی استقبال کنیم



■ **محمدحسین علیپور**

● موسیقی یکی از رشته‌های مهم هنری است که می‌توان گفت گستره و فراگیری آن نسبت به جمعیت بشر است. در هر دوره سنی این فراگیری دیده می‌شود. اگر کسی به تناسب شرایط سنی یا امر ذوقی یا بر پایه هدفی از یک شاخه موسیقی فاصله بگیرد، به شاخه دیگری از موسیقی گرایش پیدا می‌کند. حتی کسانی که ایده یا مرامی دارند که در ظاهر با موسیقی میانه‌ای ندارند، اما در واقع اینگونه نیست. در هر حال به نوعی از موسیقی میل پیدا می‌کنند. استفاده از موسیقی در مراسم آیینی و سنتی که گریزی از آن نیست، جزئی جدایی‌ناپذیر از این‌گونه آیین‌هاست.

موسیقی همانند دیگر هنرها بر ذوق متکی است، بنابراین چگونه می‌توان خارج از امر ذوقی، موسیقی را پس زد؟ حتی اگر گونه‌ای مسوولیت اجتماعی یا انسانی با گونه‌ای تعهد را برای هنر و البته موسیقی تعریف کنیم که هدفش انجام رسالتی است، اما ذوق انسانی را نمی‌توان در فرآیند تولید و لذت‌بردن از موسیقی حذف کرد.

اینکه بر پایه نگرشی، برای موسیقی محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌هایی وضع می‌شود، چگونه خواهد توانست اهداف سختگیرانه مورد نظر را تأمین کند؟ به‌خصوص که هنوز شنیده می‌شود گاهی در این شهر یا آن شهر برگزاری کنسرت‌های موسیقی با مشکل روبه‌رو می‌شود و جمعیتی از مردم یک‌شهر از این گردهمایی هنری و شادی‌افزا محروم می‌شوند. آخرین آن برگزار نشدن کنسرت موسیقی کلاسیک گروه سپهر بود که به‌رغم داشتن مجوز، هزینه‌هایی چندمیلیونی برای تبلیغات و دیگر امور به این گروه تحمیل شد. جمعیتی از دوستداران موسیقی از اجرای زنده یک گروه موسیقی کلاسیک هم محروم شدند. گروه‌های موسیقی از نظر مالی دچار چالش و مشکل هستند و همین خود توسعه فرهنگی و هنری را در جامعه کند می‌کند، چه رسد به اینکه اینگونه مشکل‌سازی‌ها هم اعمال شود. باید گفت هدف این خسارت مادی و البته معنوی که علاقه‌مندان پرشمار موسیقی را هدف خود قرار می‌دهد، چیست؟

به نظر می‌رسد فراهم کردن فضای دلمردگی و به تبع آن سرخوردگی، با یک نگرش عقلایی، روح و روان عمومی را به آرامش نزدیک نکرده و دور شدن از آشفتنگی فکری را فراهم نمی‌کند. خواست عمومی در جامعه به‌گونه‌ای است که چفت و بست‌های تعریف شده یا تعریف نشده درباره هنر و موسیقی کمتر شود. آیا کسانی که سعی بر سفت کردن این چفت و بست‌ها دارند، گاهی از کنار نوازنده جوان کنار خیابان گذر کرده‌اند که مواجهه مثبت و روان‌ساز رهنگذران را ببینند و البته خود هم اندکی تامل می‌کنند که چه فضای نرم‌انگیز و آرام‌بخشی را ولو برای زمانی کوتاه فراهم می‌کند؟

مسئولیت‌پذیری برای مواجهه با مشکلاتی که اینگونه پدید می‌آید دو وجه دارد؛ اول اینکه برهم‌زنندگان این برنامه‌ها با کارکرد رسمی و غیررسمی مسئولیت رفتاری را بپذیرند که از دیدگاه عمومی مورد سرزنش و بازخواست است و با چشم منتفی به این تصمیمات و رفتارهای مخالف با شیون مدنی و فرهنگی جامعه نگاه می‌کنند. دوم اینکه هنرمند و گروه هنری که با چنین رفتاری مواجه می‌شوند حق خود را تا نتیجه کار پیگیری کنند. البته رسانه‌ها و مطبوعات در این زمینه نقشی برعهده دارند که هم وظیفه حرفه‌ای آنهاست و هم واگای و بازتاب حقیقت موضوع و تحلیل رفتار نادرستی است که از سوی برخی افکار جزم‌اندیش با هنر و موسیقی می‌شود.

گاهی خبر لغو یک کنسرت موسیقی که شنیده می‌شود، بیشتر چشم‌ها گرد می‌شود و ابروها به هم گره می‌خورد و البته پرسش‌هایی بی‌پاسخ یکی از پس دیگری از ذهن‌ها می‌گذرد. متأسفانه تقدس‌گرایی مهم‌ترین دلیل و ریشه مواجهه منفی عده‌ای با هنر و موسیقی در کشور ماست و کوشش می‌شود به آن دامن زده شود. گروهی که چندی پیش با برگزاری یک کنسرت موسیقی در شهر یاسوج هم مخالفت کردند، ضددینی‌بودن آن را دلیل خود اعلام کردند. اما این افراد تفسیر خود را از متون دینی تفسیر غالب می‌دانند. هر متنی از آن رو که متن است خود را در معرض تفسیر یا معنایی متفاوت قرار می‌دهد. اما درباره هنر و موسیقی معنایی که به جزم‌اندیشی یا تقدس‌گرایی نزدیک‌تر است مورد توجه عده‌ای قرار می‌گیرد. هنگامی که این یادداشت درباره لغو برنامه گروه موسیقی سپهر در شهر رودسر نوشته می‌شد، بیش از هر چیز واکنش عمومی مردم به مرگ خواننده و نوازنده جوان موسیقی پاپ، مرتضی یاشایی، همه را غافلگیر کرده بود. اگر از آنها خواسته می‌شد که نظر خود را به صورت آزاد در مورد لغو یک کنسرت موسیقی بیان کنند، چه می‌گفتند؟



■ **حسین عبد‌الهاشم‌پور**

۱- شامگاه پنجشنبه‌ای که «کتاب» تیتیر یک تهران شده بود، «احمد مسجد جامعی» را پایین پلکان گالری ساربان دیدم؛ به دیدار نمایشگاه استاد «امیرخانی» آمده بود، چهره‌اش خسته اما شادمان بود. گفتم: «پیشنهادتان باعث شد بعد از قرنی کتاب، بی‌نیاز به نمایشگاه تیتیر یک شود.» خندید و گفت: «خدا را شکر، فکر کنم اتفاق خوبی افتاد.» ساعتی بعد می‌گفتم حالا که پیشنهادات «مسجد جامعی» این‌قدر خوب می‌گیرد، کاش راسته فرهنگی و این‌طرح خیابان هنر ۱- شامگاه پنجشنبه‌ای که «کتاب» تیتیر یک تهران شده بود، «احمد مسجد جامعی» را پایین پلکان گالری ساربان دیدم؛ به دیدار نمایشگاه استاد «امیرخانی» آمده بود، چهره‌اش خسته اما شادمان بود. گفتم: «پیشنهادتان باعث شد بعد از قرنی کتاب، بی‌نیاز به نمایشگاه تیتیر یک شود.» خندید و گفت: «خدا را شکر، فکر کنم اتفاق خوبی افتاد.» ساعتی بعد می‌گفتم حالا که پیشنهادات «مسجد جامعی» این‌قدر خوب می‌گیرد، کاش راسته فرهنگی و این‌طرح خیابان هنر

فرزانه ابراهیم‌زاده: بهرام بیضایی «گزارش ارداویراف‌نامه» را در دانشگاه استنفورد نمایشنامه خوانی می‌کند. این خبری است که دانشگاه استنفورد به همراه انتشار دیوارکوب نمایش اعلام کرده. این نمایش قرار است بیست‌وچهارم و بیست‌وپنجم‌زائویه۲۰۱۵ در دانشگاه استنفورد کالیفرنیا خوانده شود. چهارسالی است که سینما و تئاتر ایران از حضور بهرام بیضایی غایب بوده است. اما او در همه این سال‌ها مانند همیشه کارش را ادامه داده و در کنار تدریس در دانشگاه و برگزاری کلاس‌هایی درباره تئاتر و فرهنگ ایرانی پژوهش‌هایش را انجام داده است. اما حالا بیضایی به سراغ متن مهم ارداویراف‌نامه رفته؛ متنی که بی‌شک از مهم‌ترین متون فارسی باستان و زردشتی است که علاوه‌بر ویژگی‌های ادبی به اندیشه ایرانیان درباره زندگی بعد از مرگ می‌پردازد. این متن که در معرفی دانشگاه استنفورد به کمدی‌الهی ایرانی تشبیه شده است، یکی از متونی است که برخی از منتقدان معتقدند داتنه در نوشتن سه‌گانه مشهورش از آن بهره جسته است. این متن که به زبان اوستایی نوشته شده، ماجرای سفر ذهنی ویراف از موبدان برگزیده زردشتی به عالم برزخ و بهشت است. او در این سفر بعد از گذر از پل چینود- پلی که به اعتقاد زردشتیان مردم از آن رد می‌شوند و معادل اسلامی پل‌صراط است- و به دیدار مردم گناهکاری می‌رود که به یادافره گناهشان در طبقات پایین دوزخ در حال عذاب هستند. برخی از کارشناسان زبان معتقدند این متن بعد از اوستا و گارنامه اردشیر بابکان از مهم‌ترین متون زبان فارسی باستان

را یک اول هفته‌ای اعلان عمومی کند، خدا را چه دیدی، شاید پنجشنبه‌اش اجرایی شود.

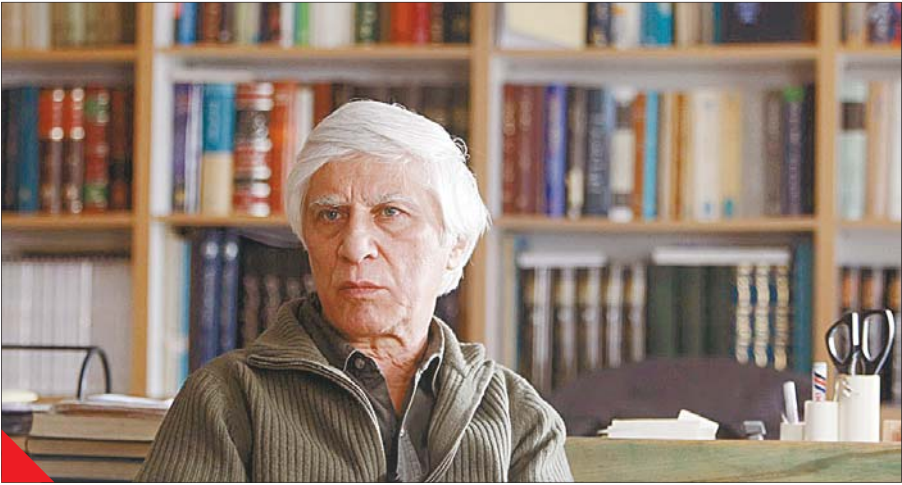
۲- مسجد جامعی چه در دوره وزارت و چه پس از آن در شورای شهر، وجود یک‌راسته فرهنگی در تهران را پیگیری کرده است؛ گویا خودش از تئاتر شهر تا تالاروحدت را مثال آورده؛ بعدت‌رها خیلی‌ها احبای لاله‌زار، راسته خیابان انقلاب... حتی خیابان‌های منتهی‌به فرهنگستان هنر و صبا... را پیشنهاد داده‌اند اما این پیشنهادات حتی به روی میز هم نرسیده‌اند و همچنان در افکار باقیست.

۳- ضرورت وجودی راسته فرهنگی در شهرها

مهاجرت گالری‌ها به پایین‌تر از «ونک»

پیداتر از آفتاب است: هم آینه هویت آدم‌های شهر است هم می‌تواند برای یک‌شهر، جنبه توریستی بیافریند و از منظر اقتصادی سودآور هم باشد؛ نیازی به مثال آوردن از پاریس و لندن نیست، بغل‌گوش‌مان در همین‌استانبول یا در همین‌دوبی در منطقه فرهنگی تجاری DIFC نمونه‌های موفقی وجود دارد که با متدهای سنتی گرفته‌تا مدرن، راسته هنری دارند؛ چرا پایتخت ایران با این قدمت و غنای فرهنگی از این نظر خلا دارد؟!

۴- عصرگاه پنجشنبه‌سوری کتاب، میهمان افتتاحیه گالری تازه «شیرین» بودم که از ولنجک



بیضایی، «ارداویراف‌نامه» را در «استنفورد» روخوانی می‌کند

«کمدی‌الهی» ایرانی به روایت کارگردان مهاجر

ارداویراف‌نامه مانند سایر آثارش خوانش تازه‌ای از این متن خواهد داشت؛ خوانشی که با توجه به نگاه دقیق و پژوهشگرانه‌اش نگاهی متفاوت به یکی از مهم‌ترین متون فارسی است. او ۱۰سال گذشته علاوه‌بر نوشتن نمایشنامه و فیلم‌نامه‌هایش پژوهش‌های بسیار مهمی

به سنایی آمده است. بعدش در «کافه نزدیک» قهوه با طعم پرتقال و دارچین نوشیدیم که دانستم کافه‌ای سه‌گانه به ابتکار «محمود دولت‌آبادی» است؛ کافه‌های کتاب، تئاتر و سینما که من مجاور پل کریمخان، میهمان کتابش بودم؛ بله کافه‌ها و گالری‌ها بار دیگر از نقاط بالای شهر به نقاط مرکزی؛ به متن مردم می‌آیند و به لطف بخش خصوصی محدوده پل کریمخان، ایرانشهر، چهارراه و میدان ولی‌عصر در همسایگی تئاتر شهر، موزه هنرهای معاصر و سالن‌های سینما لبریز از گالری، کافه و کتابفروشی می‌شود و رفته‌رفته هویت راسته فرهنگی به خود می‌گیرد. کاش مدیران فرهنگی و شهری هم بجنبند و در این راه مهم همراهی کنند.

داشته‌که از آن میان می‌توان به کار بزرگی که درباره ریشه‌های هزارویک‌شب داشت و انتشار کتاب هزارافسان کجاست؟ اشاره کرد. او همچنین مطالعاتی درباره تئاتر سایه‌بازی یکی از گونه‌های فراموش‌شده تئاتر ایرانی داشت که حاصل این مطالعات نگارش و اجرای نمایشنامه‌ای با عنوان «جانا و بلادور» به همین شیوه بود. این نمایش که با بازی مژده شمسایی به روی صحنه رفت، یکی از چهارنمایش از آثار جدید بیضایی است که در اداره کتاب متوقف شده است، جانا و بلادور نمایشی سمبلیک براساس اسطوره‌های ایرانی است که به جنگ و آمیختن چهارعنصر اصلی طبیعت یعنی آب، باد، خاک و آتش می‌پردازد. به‌نظر می‌رسد میزان اداره کتاب برای خواندن این کتاب، سبک سمبلیک و اسطوره‌ای آن را در نظر نگرفته و درباره آن قصاصت کرده‌اند. شهلا لاهیجی ناشر آثار بیضایی در ایران پیش‌تر به «شرق» با اعلام خبر توقف این کتاب به خاطر اصلاحات گفت: «قهرمانان کتاب چهره‌های اسطوره‌ای و سمبلیک هستند که در قالب اسطوره‌ای قرار گرفتند و برای باورپذیرترشدن، نام انسانی دارند. مثلاً یکی شده جانا و دیگری بلادور. اما کسانی که کتاب را بررسی کردند، این موضوع را متوجه نشدند و گفتند که نمی‌توان آن را منتشر کرد.»

البته علی شجاعی‌صاین، رییس اداره کتاب به «شرق» گفت هنوز هیچ تصمیمی برای کتاب جانا و بلادور گرفته نشده است. با این همه، تکلیف این کتاب و سه‌کتاب دیگر بیضایی که او بازگشت و فیلمسازی‌اش را منحصر به آنها کرده، در وزارت ارشاد نامعلوم است.

نشست خبری سینماحقیقت با حضور طباطبایی نژاد برگزار شد

نمایش ۲۸۷ فیلم مستند ایرانی و خارجی در هشتمین دوره جشنواره



خصوص اعلام نشدن اسامی هیئت انتخاب بخش بین‌الملل جشنواره سینماحقیقت گفت: «اگر سال بعد نیز مدیرعامل مرکز و دبیر جشنواره باشم، در بخش مسابقه ملی نیز هیئت انتخاب نخواهم داشت و شورای مشاوران دبیر، انتخاب فیلم‌های بخش مسابقه را برعهده خواهند داشت، این اتفاق در همه جشنواره‌های دنیا می‌افتد و مرسوم است.» او با یادآوری جایگاه مطلوب جشنواره سینماحقیقت در دنیا گفت: «سال گذشته فیلم‌های این جشنواره در دو جشنواره مهم آمریکا و روسیه مرور شد. در سال آینده نیز معتبرترین جشنواره قوم‌شناسی اروپا EASA فیلم‌های سینماحقیقت را مرور می‌کند. همچنین حضور هدی هانگمان و بیل نیکولز از بزرگان سینمای مستند جهان در این جشنواره، نشان از اهمیت آن برای فیلمسازان جهانی دارد.»

پوشش سینماحقیقت تلویزیون

طباطبایی‌نژاد با اشاره به فیلم‌های حاضر در بخش جنبی جشنواره عنوان کرد: «ما اسال ۱۲ فیلم خارج از مسابقه داریم و شاید سال بعد تعداد این فیلم‌ها بیشتر هم می‌شود، زیرا سیدگبری‌ها برای حضور فیلم‌ها در بخش مسابقه ملی بیشتر می‌شود. از دوره دوم جشنواره همه فیلم‌های مستند باید رده A داشته باشند تا بتوانند در بخش مسابقه شرکت کنند. یکی از عمده دلایل ما برای افزایش فیلم‌های بخش جنبی، نبود جایگاهی مناسب برای عرضه فیلم‌های مستند است و اگر فیلمساز نمایش فیلمش در جشنواره سینماحقیقت را نیز از دست بدهد، انگیزه‌ای برایش باقی نمی‌ماند.» وی در پایان پیرامون پوشش تلویزیونی جشنواره سینماحقیقت هم گفت: «شبکه چهار هر شب یک ساعت برنامه‌ای مختص سینماحقیقت خواهد داشت. در شبکه یک نیز همزمان با شروع جشنواره ویژه‌برنامه‌ای به صورت یک روز در میان پخش خواهد شد. شبکه مستند نیز به پوشش کامل جشنواره سینماحقیقت می‌پردازد. شبکه جام‌جم نیز برنامه‌های شبکه یک را بازپخش می‌کند، البته ما با شبکه ۳ هم مذاکراتی انجام دادیم که نتایج آن هنوز مشخص نشده است. همچنین با دکتر پورحسین مدیر شبکه مستند برای پخش برنامه سینماحقیقت هم به توافق رسیدیم که بعد از برگزاری جشنواره، پنجشنبه شب‌ها در بکس ویژه‌ای به سینمای مستند بپردازد که کاملاً تخصصی است. با این‌کار ما تلاش می‌کنیم که جشنواره سینماحقیقت را تا سال آینده زنده نگه داریم. به گفته دبیر جشنواره سینماحقیقت، آیین اختتامیه جشنواره امسال به دلیل هزینه ۴۰ میلیون تومانی تالار وحدت، در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار خواهد شد.

هنر

بشت بوم